



Typology of Copula Constructions in Gorani Texts and the Ergative System's Reflection in Them

Saeed Karami¹, Mehrdad Naghzguy Kohan², Salumeh Gholami³

1. Corresponding Author, Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: karami919seed@gmail.com
2. Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: mehrdad.kohan@basu.ac.ir
3. Professor of Minority Languages in the Middle East, Institute of Empirical Linguistics, Faculty of Linguistics, Cultures and Arts, Goethe University Frankfurt, Germany. E-mail: gholami.iranistik@gmail.comhkh

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 06 April 2022

Received in revised form:
27 June 2022

Accepted: 06 July 2022

Available online: 12 March
2023

Keywords:

Gorani texts,
copula constructions,
existential construction,
ergative system,
copula verb.

In this study, the copula constructions in Gorani texts are investigated, as well as how the ergative system is reflected in them. The Divan of Mawlavi (also known as Kurdish Mawlavi) is one of the most authoritative Gorani manuscripts used in this study. To extract and describe the copula constructions, Dixon's (2010) approach is applied. The copula constructions in Gorani texts are classified into four types: nominal, attributive, existential locative, and existential possessive. In addition to the existential construction, the lexical verb "to have" has been employed to express possession. The agreement pattern of Copula verbs in nominal, attributive, and locative constructions follows the pattern of "S" in past ergative verbs, but in existential possessive constructions it follows the pattern of "A" in past ergative verbs. Despite the fact that lexical verbs have a split and tense-based ergative system, the ergative system in possessive construction is uniformly the same in the present and past tense. Although the existential construction is employed to show possession in both the Gorani texts and modern Persian, in modern Persian the accusative is reflected by the suffix "ra" whereas in Gorani texts the ergative is reflected by pronominal clitics.

Cite this article: Karami, S., Naghzguy Kohan, M., & Gholami, S. (2023). Typology of Copula Constructions in Gorani Texts and the Ergative System's Reflection in Them. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (1), 103-125.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.7660.1629



رده‌شناسی ساخت‌های ربطی در متون گورانی و بازتاب نظام کنائی در آنها

سعید کرمی^۱، مهرداد نفزگوی کهن^۲، سالومه غلامی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: karami919seed@gmail.com
۲. استاد، گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: mehrdad.kohan@basu.ac.ir
۳. استاد، گروه زبان‌شناسی تجربی، دانشگاه گوته فرانکفورت، آلمان. رایانامه: gholami.iranistik@gmail.com hkh

چکیده

اطلاعات مقاله

در پژوهش حاضر، ساخت‌های ربطی در متون گورانی و نحوه بازتاب نظام کنائی در آنها بررسی می‌شود. پیکره زبانی این پژوهش، دیوان مولوی (مشهور به مولوی گرد)، یکی از معتبرترین متون گورانی است. داده‌های این پژوهش، براساس چارچوب رده‌شناختی دیکسون (۲۰۱۰) استخراج و توصیف شده است. در متون گورانی چهار ساخت ربطی وجود دارد: ساخت اسمی، وصفی، وجودی ظرفی و وجودی ملکی. همچنین، به‌جز ساخت وجودی از فعل واژگانی «داشتن» برای بیان مالکیت استفاده شده است. الگوی مطابقت فعل ربطی با CS در ساخت‌های اسمی، وصفی و ظرفی از همان الگوی S در گذشته پیروی می‌کند و در ساخت وجودی ملکی از الگوی A در گذشته در نظام کنائی پیروی می‌کند. باوجود اینکه نظام کنائی در فعل‌های واژگانی به‌صورت گسسته است و صرفاً در زمان گذشته رخ می‌دهد، در ساخت وجودی ملکی در زمان حال و گذشته به‌صورت یکنواخت نظام کنائی حاکم است. هرچند در زبان متون گورانی و زبان فارسی نو متقدم هر دو از ساخت وجودی ملکی برای بیان مالکیت استفاده شده است، در فارسی نو متقدم نظام فاعلی-مفعولی به‌کمک پس‌اضافه «را» بازتاب یافته است؛ درحالی‌که در متون گورانی نظام کنائی به‌کمک واژه‌بست‌ها بازتاب یافته است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۷ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۶ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۵ تیر ۱۴۰۱

دسترسی آنلاین: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

متون گورانی،

ساخت‌های ربطی،

ساخت وجودی،

نظام کنائی،

فعل ربطی.

استناد: کرمی، سعید؛ نفزگوی کهن، مهرداد؛ غلامی، سالومه (۱۴۰۲). رده‌شناسی ساخت‌های ربطی در متون گورانی و بازتاب نظام کنائی در آنها. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۱)، ۱۰۳-۱۲۵.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2022.7660.1629

۱- مقدمه

یکی از موضوع‌های مورد توجه در رده‌شناسی زبان‌ها، این است که زبان‌ها برای بیان چه نوع مفاهیمی از ساخت‌های ربطی^۱ استفاده می‌نمایند و از چه نوع فعل ربطی‌ای در این ساخت‌ها بهره می‌گیرند. ساخت‌های ربطی به‌طور معمول از سه عنصر اصلی تشکیل می‌شوند: ۱. فاعل فعل ربطی^۲ یا به‌اختصار *CS*; ۲. متمم فعل ربطی^۳ یعنی *CC* و ۳. فعلی که به‌جای معنی ارجاعی^۴ دارای معنی رابطه‌ایی^۵ است و *CC* و *CS* را به‌هم پیوند می‌دهد و از این‌رو، به نام فعل ربطی^۶ (*COP*) نام‌گذاری شده است (دیکسون^۷، ۲۰۱۰: ۱۵۹). هر زبانی بنا بر ویژگی رده‌شناسی خود چند مفهوم متفاوت را از قبیل مالکیت^۸، وجود^۹، مکان^{۱۰}، هویت^{۱۱}، بهروری^{۱۲} و غیره از طریق این ساخت‌ها بیان می‌کند (پین^{۱۳}، ۱۹۹۷: ۱۱۲).

دیکسون (۲۰۱۰: ۱۶۶) به رابطه مابین *CS* و فاعل فعل واژگانی پرداخته است و اظهار می‌کند که مابین این دو رابطه تنگاتنگی قرار دارد و همیشه *CS* تابعی از فاعل فعل واژگانی است. به عبارتی روشن‌تر، نحوه حالت‌دهی به فاعل ساخت‌های ربطی تابعی از الگوی انطباق عامی است که افعال واژگانی را دربرمی‌گیرد. در زبان‌های دارای نظام کنائی-مطلق که A^{14} (فاعل فعل متعدی) متفاوت از *S*^{۱۵} (فاعل فعل لازم) است، معمولاً *CS* مانند *S* رفتار می‌کند و در زبان‌های دارای نظام فاعلی-مفعولی که *S* و *A* مثل هم هستند و با *O* تفاوت دارند، معمولاً *CS* مثل *S/A* رفتار می‌کند. به عبارتی، می‌توان گفت که همیشه *CS* تابعی از *S* است؛ یعنی $S=CS$. دیکسون بیان می‌کند زبان‌های خیلی نادری وجود دارند که *CS* در آن‌ها خلاف این قاعده عمل کند (همان). اکنون این پرسش برجسته می‌شود که در آن دسته از زبان‌های ایرانی که دارای نظام کنائی زمان گسسته^{۱۶} هستند، آیا این رابطه به همین منوال وجود دارد

1. copula construction
2. copula subject
3. copula complement
4. referential meaning
5. relational meaning
6. copula
7. R.M. Dixon
8. possession
9. existence
10. location
11. identity
12. benefaction
13. T.E. Payne
14. agent
15. subject
16. split ergativity

یا رفتار این زبان‌ها متفاوت است؟ در واقع، با دو نوع S سروکار داریم: یکی S در زمان گذشته در تقابل با A یعنی: $S \neq A$ و دیگری S در زمان حال در تقابل با O یعنی: $S \neq O$. آیا نظر به تفاوت نظام مطابقت افعال واژگانی براساس زمان، نظام مطابقت در ساخت‌های ربطی هم بر این اساس تغییر می‌یابد؟

متون منظوم گورانی از آثار قدیمی حوزه زاگرس است و به‌صورت مصرع‌های ده هجایی در سبک‌های متفاوت دینی، غنائی، حماسی سروده شده‌اند (مینورسکی^۱، ۱۹۴۳؛ مکنزی^۲، ۱۹۶۵). متون مقدس آیین یاری از تاریخی نامشخص که برخی آن را تا قرن سوم هجری پیش می‌برند (صفی‌زاده، ۱۳۶۱: ۶) و همچنین متون ادبی شاعران دوره حکومت اردلان به زبان گورانی نگاشته شده است (بلو^۳، ۲۰۱۰). این زبان در محدوده وسیعی از جمله لرستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و کرکوک کاربرد داشته است. زبان متون گورانی هرچند از حیث واژگان شباهت زیادی به زبان هورامی دارد، از لحاظ دستور تفاوت‌های بنیادی زیادی را با آن دارد که در مکنزی (۲۰۰۲)، محمودویسی (۲۰۱۶: ۱۲۳-۱۸۲) و مفتی‌زاده (۲۰۱۷: ۵۴-۵۸) به تعدادی از این تفاوت‌ها اشاره شده است. از این رو، می‌بایست زبان متون گورانی به‌صورت مجزا و تنها بر پایه پیکره خود متون بررسی شود، نه براساس زبان‌های گفتاری.

در این پژوهش، در نظر داریم که ساخت‌های ربطی در متون گورانی و نحوه بازتاب نظام کنائی در آنها را بررسی کنیم. ساخت‌های ربطی یکی از پربسامدترین بخش‌ها در متون گورانی به‌شمار می‌روند به‌گونه‌ای که براساس پیکره مورد بررسی، ۳۴۴ بار فعل ربطی به‌کار رفته است؛ در حالی که تمامی افعال واژگانی به‌کاررفته در این پیکره ۴۵۱ مورد است. همچنین، یکی از هفت موردی که مفتی‌زاده (۲۰۱۷: ۵۷) درباره تفاوت دستوری متون گورانی با زبان هورامی گفتاری ذکر کرده، همین بحث ساخت‌های ربطی است. از این رو، بر آن شدیم تا در این پژوهش ابتدا به بررسی پیکره متون گورانی براساس الگوی دیکسون (۲۰۱۰: ۱۶۰) بپردازیم؛ سپس مشخص بنماییم که ساخت‌های ربطی در متون گورانی عهده‌دار بیان چه نوع مفاهیمی هستند و برای این مفاهیم از چه نوع فعل ربطی استفاده شده است. در مرحله دوم، به نحوه بازتاب نظام انطباق در این ساخت‌ها پرداخته می‌شود و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که CS در ساخت‌های ربطی تابع چه الگویی از نظام مطابقت است.

از نسخه خطی دیوان اشعار عبدالرحیم تاوگوزی مشهور به مولوی (۱۲۲۱-۱۳۰۰ ه.ق.) که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود^۴ (ر.ک. پیوست ۱)، ۶۰۰ بیت آغازین به‌صورت یکجا در نرم

1. V. Minorsky
2. D. Mackenzie
3. J. Blau

۴. برای ارجاع به این نسخه از نشان اختصاری (م.ق) بهره گرفته شده است.

افزار *flex*^۱ نسخه ۹.۱ واج‌نویسی شد و به‌عنوان پیکره اصلی این پژوهش تحلیل و آمارهای آتی از آن استخراج گردید. در موارد خاصی که نمونه‌های بیشتری لازم بود، به بخش‌های دیگر این نسخه و دیوان چاپی مولوی تصحیح مدرس (۱۳۷۸) استناد شده است که آدرس دقیق آن در ذیل نمونه‌ها آمده است. تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند، هیچ منبعی به‌طور مشخص به بحث ساخت‌های ربطی در متون

گورانی نپرداخته است؛ اما منابع زیر به‌طور مختصر به بررسی دستور متون گورانی پرداخته‌اند:

مکنزی (۲۰۰۲) گورانی را به دو بخش گورانی ادبی^۲ و گورانی گفتاری^۳ تقسیم می‌کند و معتقد است که گورانی ادبی از گونه‌های موجود گورانی گفتاری متفاوت است و یک نوع زبان کوینه^۴ است. کراینبروک^۵ و چمن آرا (۲۰۱۳) به نقد نظریه مکنزی در مورد کوینه‌بودن زبان متون گورانی پرداخته‌اند و بر این باورند که زبان گورانی در این متون کوینه نیست؛ بلکه پیوستاری^۶ از مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبان‌های رایج در منطقه زاگرس است. در این دیدگاه، نویسندگان معتقدند که زبان متون گورانی زبانی خودکار و طبیعی نیست؛ بلکه زبانی برساخته از چند زبان رایج در منطقه زاگرس است. محمودویسی (۲۰۱۶: ۸۲-۱۲۳) در فصل پنج رساله خود به بررسی تفاوت‌های دستوری و واجی گورانی ادبی با چهار گونه گورانی گفتاری (هورامی، زرده‌ایی، گوره‌جوی و کندوله‌ایی) پرداخته است و ضمن تطبیق این چهار گونه گفتاری با همدیگر تفاوت‌های آن‌ها را از حیث واجی و دستوری با گورانی ادبی در چند مقوله ذکر کرده است و به تأثیر وزن شعر در شکل‌دهی زبان ادبی گورانی پرداخته است. مفتی‌زاده (۲۰۱۷: ۵۴-۵۸) در مقدمه دیوان مولوی کرد، فصلی را به بیان تفاوت دستوری متون گورانی با هورامی تخصیص داده است. مفتی‌زاده، هفت مورد از تفاوت‌های دستوری گورانی ادبی با هورامی را برشمرده است و با ارائه مثال به شرح آن‌ها پرداخته است. یکی از این موارد بحث فعل‌های ربطی است که آن‌ها را ضمائر رابط زمان حال نام نهاده است و دو لیست زیر را برای تفاوت صورت فعل‌های ربطی در متون گورانی و هورامی ذکر کرده است:

هورامی: $n\bar{a}/n\bar{a}n, =n\bar{i}, =an/a, =n\bar{a}m\bar{e}, =n\bar{a}n\bar{d}\bar{e}, =n\bar{e} =$

گورانی: $m, \bar{a}m, =\bar{i}, =a, =\bar{i}n/y\bar{i}n, =n, =\bar{a}n =$

1. Fieldwork Language Explorer
2. literary Gorani
3. spoken Gorani
4. Koine
5. P.G. Kreyenbroek
6. continuum

۲- کاربردهای متفاوت واژه گورانی

در مورد زبان گورانی دو نظر متفاوت وجود دارد:

۱. گورانی به‌مثابه زبان، تنها بر زبان متون مقدس آیین یاری و منظومه‌های ادبی و حماسی‌ای اطلاق می‌شود که به آن سبک زبانی سروده شده‌اند و به هیچ‌کدام از زبان‌های گفتاری منطقه اطلاق نمی‌گردد. این کاربرد نزد مردم منطقه، اهل ادبیات و پژوهشگران داخلی در کردستان ایران و عراق رایج است (کراینبروک و چمن‌آرا، ۲۰۱۳؛ خزنه‌دار، ۲۰۱۰؛ سجادی، ۱۹۵۲؛ سلطانی، ۲۰۱۰؛ مفتی‌زاده، ۲۰۱۷ و غیره).

۲. گورانی برای اشاره به زبان ساکنین بخش شمال غربی کوه‌های زاگرس در مجاورت مرزهای سیاسی ایران و عراق مشهور به اورامانات، و به طوایف خارج از جغرافیای اورامانات مانند باجلانی، شَبَک، روژبیانی، شیخانی، کاکه‌ایی و غیره در کردستان بخش عراق و گوره‌جو، زرده، کندوله در ایران اطلاق می‌شود. در این کاربرد، معنای گورانی تعمیم داده شده است؛ یعنی علاوه بر اینکه زبان هورامی و تمامی گونه‌های نزدیک به آن را به‌عنوان زبان گفتاری پوشش می‌دهد، زبان متون گورانی را به‌عنوان زبان نوشتاری شامل می‌شود. این کاربرد دوم را بیشتر زبان‌شناسان و پژوهشگران اروپایی (مان و هدنک، ۱۹۳۰؛ مینورسکی، ۱۹۴۳؛ مکنزی، ۱۹۶۶، ۲۰۰۲؛ پاول^۱، ۱۹۹۸؛ پاول، بیلی و هیگ^۳ در محمودویسی و دیگران ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و بیلی، ۲۰۱۸) رواج و تعمیم داده‌اند تا به‌عنوان اصطلاح پوششی زبان هورامی و گونه‌های نزدیک به آن و زبان متون گورانی را از زبان کردی رایج در منطقه متمایز بسازند. برای پرهیز از پیچیدگی زبان‌شناختی ناشی از تنوع اصطلاح گورانی، غلامی (۱۴۰۰) پیشنهاد می‌دهد که اصطلاح گورانی تنها بر گونه ادبی غیرگفتاری اطلاق شود و برای گونه‌های گفتاری از اسم خاص آن گونه مانند هورامی، زردپانه، کندوله‌ای، گورجوی بهره گرفته شود.

در پژوهش حاضر، مراد ما از زبان گورانی هیچ‌کدام از زبان‌های گفتاری نیست؛ بلکه مراد همان کاربرد اول، یعنی زبان متون گورانی است.

۲-۱ متون گورانی

متون منظوم و متنوعی از گورانی در دسترس است که به‌صورت مصرع‌های ده هجایی در سبک‌های

1. O. Mann & K. Hadank
2. L. Paul
3. D. Bailey & G. Haig

متفاوتی سروده شده‌اند (مینورسکی، ۱۹۴۳). این متون به‌اختصار به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

الف. **متون دینی آیین یارسان:** این متون مشتمل بر دوره‌های متفاوت پردیوری^۱ است که در مجموع تحت عنوان «نامه سرانجام، دیوان گوره یا دفاتر اهل حق» از آن‌ها یاد می‌شود. این متون، کهن‌ترین متون گورانی به‌شمار می‌آیند. هرچند نسخه‌های خطی زیادی از متون یاری در دسترس است، با توجه به سنت نانوشته‌ی آیین یاری و روایی بودن آن (حسینی ۲۰۱۷؛ کراینبروک، ۲۰۲۰: ۱۹) آنچه از این نسخه‌ها تاکنون به‌دست آمده است از قدمت زیادی برخوردار نیستند. برای اطلاعات بیشتر در مورد متون یاری و «نامه سرانجام» به طاهری (۲۰۰۷؛ ۲۰۰۹) مراجعه شود.

ب. **متون حماسی و عاشقانه:** این متون عبارت‌اند از منظومه‌هایی تحت عناوین شاهنامه کردی، نادرنامه، مختارنامه و غیره. چمن‌آرا و امیری (۲۰۱۸) اظهار می‌دارند که بیش از ۵۰ عنوان متفاوت از شاهنامه کردی در دسترس است که در کل بیش از ۶۰،۰۰۰ بیت را دربرمی‌گیرند.

ج. **اشعار غنائی:** این متون بیشترین حجم متون گورانی را دربرمی‌گیرند. چون در دوره حکومت محلی اردلان زبان گورانی به زبان ادبی تبدیل شده بود (بلو، ۲۰۱۰). در این ایام، بالغ بر ۴۰ دیوان شعر به زبان گورانی سروده شده است (رک. خزنه‌دار، ۲۰۱۰؛ سجادی، ۱۹۵۲؛ مکنزی، ۱۹۶۵).

۳- ملاحظات نظری

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، زبان‌ها برای مجموعه‌ای از مفاهیم از ساخت‌های ربطی بهره می‌گیرند و هر ساخت ربطی حداقل از دو موضوع اصلی^۲ (*CS* و *CC*) تشکیل می‌شود که به‌واسطه فعل ربطی به هم پیوند داده می‌شوند و به‌صورت کلی ساخت [*CS CC COP* - \emptyset] را تشکیل می‌دهند. فعل‌های ربطی، آن دسته از فعل‌ها هستند که به‌گفته دیکسون (۲۰۱۰: ۱۵۹) به‌جای اینکه مثل فعل‌های واژگانی دارای معنی ارجاعی باشند، دارای معنی ربطی و ارتباطی هستند یا چنان‌که پین (۱۹۹۷: ۱۱۲) اظهار می‌دارد: «فعل‌های واژگانی از حیث معنی غنی هستند و دارای محتوا می‌باشند؛ اما فعل‌های ربطی از حیث معنی تهی هستند؛ از این رو، آن‌ها را فعل‌های دستوری^۳ هم می‌نامند». ساخت‌های ربطی براساس ماهیت و نوعیت *CC* طبقه‌بندی می‌شوند؛ چون معنی در *CC* نهفته است. چنان‌که اشاره شد، خود فعل ربطی فاقد معنی است و *CS* هم که نقش فاعلی دارد در بیشتر بافت‌ها حذف می‌گردد و در بعضی از زبان‌ها

1. *pardiuri*
2. *core argument*
3. *grammatical verbs*

مانند انگلیسی برای بیان آن از پُرکننده‌های^۱ تهی از معنی استفاده می‌شود. دیکسون (۲۰۱۰: ۱۵۹) جدول (۱) را با اندکی تغییرات برای ساخت‌های ربطی زبان انگلیسی ترسیم می‌کند.

جدول (۱). ساخت‌های ربطی در زبان انگلیسی

| CS | Copula | CC | ماهیت CC | رابطه |
|----------------|--------|----------------------------|--|---------------------|
| This | is | a doctor | گروه اسمی | هویت ^۲ |
| This man | is | clever | صفت | اسناد ^۳ |
| This book | is | John's | ملکی | مالکیت |
| This present | is | for John's birthday | گروه اسمی که با حرف اضافه یا وند خاص نشان‌دار شود | بهروری ^۴ |
| The apple tree | is | in the garden/outside/over | گروه اسمی که با حرف اضافه یا وند خاص یا قید مکانی نشان‌دار شود | ظرف ^۵ |

هرچند پین (۱۹۹۷: ۱۱۲) نمونه‌هایی مثل '*There is a book on the table*' را ساختِ وجودی می‌نامد، دیکسون (۲۰۱۰: ۱۵۹) معتقد است ساخت مذکور همچون سایر ساخت‌های ربطی متعارف نیست و برای ارادهٔ معنای محتوایی به‌کار رفته است.

بر مبنای معنی و مفهوم CC می‌توانیم معانی زیر را توضیح بدهیم:

۱. هویت: به مواردی اشاره دارد که CC به‌عنوان یک NP یا هر آنچه جایگزین NP باشد ظاهر می‌شود و در این ساخت یا رابطهٔ یک‌به‌یک و برابر مابین CS و CC برقرار می‌شود یا بیانگر عضویت CS در طبقهٔ CC است. پین (۱۹۹۷: ۱۱۴) اولی را برابر^۶ و دومی را شمول خاص^۷ می‌نامد. به‌هرحال، در این پژوهش، این نوع ساخت ربطی را «ساخت اسمی» می‌نامیم که به همان محمول اسمی^۸ دلالت دارد.

۲. اسناد: به مواردی اشاره دارد که CC به‌عنوان یک صفت CS را توصیف می‌کند. در این پژوهش، این نوع ساخت ربطی را «ساخت وصفی» می‌نامیم. کتز^۹ (۱۹۹۶: ۳۲) اظهار می‌دارد که در زبان‌هایی که مطالعه کرده، متوجه شده است که وقتی ساخت‌های ربطی برای بیان محمول اسمی و وصفی به‌کار می‌روند، معمولاً زبان‌ها گرایش دارند که در زمان حال بدون فعل ربطی ظاهر بشوند؛ یعنی به‌صورت

1. expletive
2. identity
3. attribution
4. benefaction
5. location
6. equative
7. Proper inclusion
8. predicate nominal
9. A. Katz

۳-۱ الگوهای نظام انطباق در زبان‌های ایرانی و تعریف جدید از نظام کنائی

در رده‌شناسی سنتی، نظام انطباق به تبعیت از کامری^۱ (۱۹۷۸) به پنج دسته تقسیم می‌شود که دو نظام آن در زبان‌های ایرانی متداول است: نظام فاعلی-مفعولی: « $A=S, S \neq P$ » و نظام کنائی-مطلق « $A \neq S, S=P$ »^۲. بازنمایی انطباق به دو صورت رخ می‌دهد: ۱. به صورت حالت‌دهی و روی خود اسم و ۲. به صورت نشانه‌ی مطابقت روی فعل (کرافت^۳، ۲۰۰۳: ۱۴۴). زبان‌های ایرانی یا به صورت یکدست از الگوی انطباق مفعولی پیروی می‌کنند؛ مانند فارسی و کردی جنوبی، یا از الگوی انطباق گسسته‌ی زمان-مبنا بهره می‌گیرند؛ مانند هورامی و کردی مرکزی که در افعال با ستاک با حال از الگوی مفعولی و در افعال با ستاک گذشته از الگوی کنائی پیروی می‌کنند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲).

در نظام مطابقت افعال با ستاک گذشته، بازنمایی عامل^۴ « A » بر عهده‌ی واژه‌بست‌های ضمیری^۵ است و بازنمایی فاعل^۶ « S » بر عهده‌ی پسوندهای مطابقت^۹ است و خود این توزیع باعث به وجود آمدن الگوی کنائی « $A \neq S$ » می‌گردد. بر این اساس، توزیع منظم واژه‌بست و وندهای مطابقت بر « A و « S » نقش حیاتی در به وجود آمدن الگوی کنائی در افعال با ستاک گذشته دارد. در زبان‌های کردی مرکزی و هورامی، این توزیع به صورت استثناناپذیری وجود دارد و هر گونه انحراف از این الگو موجب غیردستوری شدن جمله می‌گردد.

هیگ (۲۰۱۷) بر این باور است که در حوزه کنائی یک اشتباه بنیادی رخ داده است و آن این است که به صورت سنتی، کنائی را به این شیوه « $A \neq S, S=P$ » تعریف کرده‌اند و هر دو بخش را یعنی « $A \neq S$ » و « $S=P$ » را پیش شرط کنائی دانسته‌اند؛ در حالی که هیچ ضرورتی و رابطه منطقی‌ای که این دو را در کنار هم قرار بدهد وجود ندارد؛ بلکه هر کدام از آن‌ها امکان دارد جداگانه و به صورت مستقل در زبانی

1. B. Comrie

۲. علائم اختصاری فوق به صورت قراردادی به این موارد اشاره دارد: A علامت اختصاری agent یا همان فاعل فعل متعدی است. S علامت اختصاری Subject است که به فاعل فعل لازم اشاره دارد و P علامت اختصاری patient که به همان مفعول مستقیم اشاره دارد.

3. W. Croft

۴. فاعل فعل متعدی

5. agent

۶. فاعل فعل لازم

7. subject

8. pronominal clitics

9. verbal suffixes

وجود داشته باشند. برای ایجاد مفهوم کنائی همین مقدار کفایت می‌کند که A و S باهم برابر نباشند « $A \neq S$ » و برای ایجاد مفهوم کنائی هیچ ضرورتی ندارد که حتماً S و P باهم برابر باشند. براساس این رویکرد، به بررسی ساخت‌های ربطی در متون گورانی و نحوه بازتاب نظام انطباق در آن‌ها می‌پردازیم.

۴- ساخت‌های پیوندی در متون گورانی

به باور دیکسون (۲۰۱۰: ۱۵۹)، در هر زبانی ساخت‌های ربطی طیف وسیعی از روابط مابین CS و CC را بیان می‌کنند و این تا حد زیادی به ماهیت CC بستگی دارد. به عبارتی، می‌توان براساس نوعیت و ماهیت CC به طبقه‌بندی این ساخت‌ها پرداخت. بنابر بررسی پیکره دیوان مولوی، مفاهیم زیر در چارچوب ساخت‌های ربطی در گورانی آمده‌اند که بر مبنای ماهیت CC آن‌ها را دسته‌بندی می‌کنیم:

الف. **محمول اسمی:** همان‌طور که گفته شد آن دسته از NP یا جایگزین‌های آن هستند که یا با CS برابر هستند یا طبقه‌ای را نشان می‌دهند که CS در آن عضویت دارد.

ب. **محمول وصفی:** عبارت است از آن دسته از محمول‌ها که CC به‌عنوان یک صفت CS را توصیف می‌کند.

1) $amr = \text{ət dəlgir} = \mathbf{an}$ farmūda = t xās = \mathbf{an} bēšək māh = $\mathbf{anī}$ māhāna = t rās = \mathbf{an}
 =دلچسب=SG امر ۲ = COP.3SG = خوب=SG فرموده ۲ = COP.3SG = ماه بی‌گمان = COP.2SG = ماهیانه ۲ = COP.3SG = راست

«فرمان تو برای من دلچسب است، فرموده‌ات عالی است، بی‌گمان تو ماه هستی و حقوق ماهیانه‌ات حق توست.»

(م.ق: ۱۹)

2) āx mən-ū šawwāl hardū hāmfarđ = $\mathbf{īn}$ hardū gərftār ēš-e yak dard = $\mathbf{īn}$
 =شوال و - من آه = PL همدم هر دو = ۱ = گرفتار = EZ درد = COP.2SG بیماری یک

«آه! من و ماه شوال هر دو دوست و همدم هم هستیم، هر دو گرفتار درد یک نوع بیماری هستیم.»

(همان: ۲)

3) $dəf-a řāga-ka xaylē tārīk = \mathbf{an}$ pərđ-aka saxt = \mathbf{an} yakjār bārīk = \mathbf{an}
 =DEF راه-DEF خیلی = COP.3SG = پل = DEF سخت = COP.3SG = باریک بسیار = COP.3SG = دل

«ای دل! راه [آخرت] خیلی تاریک است. پل [قیامت] خیلی سخت است، بسیار باریک است.»

(همان: ۳۴)

4) $xamzada xamkēš xafatbar = \mathbf{anān}$ barī ĵa yāwar dūr ĵa yār = $\mathbf{anān}$
 =غمگین غمخوار غم‌زده = COP.1SG = دوست از دور یاور از محروم = COP.1SG

«غم‌زده و غمخوار و غمگین هستم. محروم از یاور، دور از محبوبم هستم.»

(همان: ۱۸)

5) *ja nāmāyī wēm xaǰāʔatbār = əm*

= خودم شرمنده COP.1SG نه آمدن از

«از نیامدن (نمردن) خودم شرمنده‌ام.»

(همان: ۱۰)

۶) *āzīz šoxūšang šīrīn tār = anī āhū-y bēāhū = y wašraftār = an-ī*

= خوش رفتار EZ = بی عیب EZ-آهو COP.2SG = منفرد شیرین شوخ طبع محبوب

«محبوبم تو شوخ طبع و زیبایی منفرد هستی. تو آهوی بی عیب و نقص خوش رفتار هستی.»

(همان: ۳۷)

7) *mutrəb ya kār = an mar siyā sang = ī*

= سنگ سیاه مگر COP.3SG = کار این مطرب

«مطرب این چه کاری است [که با من می‌کنی]، مگر تو از سنگ سیاه هستی؟»

(همان: ۳۰)

پین (۱۹۹۷) اظهار می‌دارد که زبان‌ها معمولاً با ساخت‌های ربطی دارای محمول اسمی و وصفی به یک شیوه رفتار می‌کنند. به عبارتی، هر دو را بدون فعل ربطی یا با یک نوع فعل ربطی نشان می‌دهند. همان‌طور که مثال‌های ۱ تا ۷ نشان می‌دهند، در گورانی برای این دو نوع *CC*، از یک نوع فعل استفاده شده است و هر دو را با یک نوع ساخت بیان می‌کنند: *[CS CC=an.VE]*، *[CS CC=VE]*.^۱ همچنین، در متون گورانی در زمان حال، مجموعهٔ پی‌بست^۲ که آن‌ها را پایانه‌های ربطی^۳ می‌نامیم، نقش افعال ربطی را بر عهده می‌گیرند. جدول (۲) پایانه‌های ربطی در متون گورانی را به ما نشان می‌دهد:

جدول (۲). پایانه‌های ربطی در متون گورانی

| سوم | دوم | اول | |
|------------|---------------|-----------------|------|
| <i>an=</i> | <i>ī/anī=</i> | <i>əm/anān=</i> | مفرد |
| <i>ən=</i> | <i>ən=</i> | <i>īn=</i> | جمع |

همان‌طور که در بخش پیش اشاره شد، کتز (۱۹۹۶: ۳۲) الگویی را به دست آورده است مبنی بر اینکه ساخت‌های ربطی با محمول اسمی و وصفی معمولاً این‌گونه گرایش دارند که در زمان حال بدون فعل ربطی ظاهر بشوند. اگر در متون گورانی «*an=*» را به تنهایی فعل ربطی در نظر بگیریم، به جز در سوم

۱. VE اشاره به پایانه‌های فعلی *verbal ending* دارد که در افعال لازم گذشته به‌عنوان پایانه‌های مطابقه ظاهر می‌شوند و در ساخت‌های ربطی به‌عنوان پایانه‌های ربطی نقش ایفا می‌کنند.

2. enclitic

3. copular ending

شخص مفرد، در سایر اشخاص یا به صورت اختیاری ظاهر می‌شود (مثال‌های ۶ و ۷) یا به‌طور کلی حذف شده است و تنها پایانه‌های مطابقت فعلی باقی می‌مانند (مثال‌های ۵ و ۲)؛ این درحالی است که فعل گذشته ربطی «*bē/bī*»^۱ هیچ‌گاه حذف نمی‌گردد:

8) xaylē = n gard pā = t ĵa dīda = m dūr bē
 COP.PST.3 SG = دور از چشم = ۱ SG پا غبار = ۲ = COP.3 SG = خیلی

yāna-y ĉam wērān tamām xāpūr bē
 COP.PST.3 SG = کلا ویران چشم نابود EZ-خانه

«غبار پاهایت برای مدت طولانی از چشمانم دور بود [در اون مدت] خانه چشم ویران و کلاً نابود بود»

(م.ق: ۱)

9) bā'īs-ī garm-ī bāzār = ət mən bī-m
 COP.PST-1 SG = من بازار = ۲ EZ-گرم EZ-باعث

ĵalā-y āyana-y řuxsār = ət mən bīm
 COP.PST.1 SG = من رخ = ۲ EZ-جلاء

«من باعث رونق بازار تو بودم، من جلاء آینه رخ تو بودم.»

(مدرس، ۱۳۷۸: ۳۹۵)

پ. ساخت وجودی ظرفی: آن دسته از ساخت‌ها هستند که *CC* در آن‌ها مکان عینی یا انتزاعی یا زمان را نشان می‌دهد و معمولاً با حرف اضافه همراه است. این ساخت بیانگر وجود و حضور *CS* در ظرف *CC* است.

10) wa marg = ət dīda = m hā-m na guzar-dā
 POSTP-در گذر SG هست = ۱ SG چشم = ۱ SG به مرگ = ۲

«محبوبم، به مرگت سوگند، من در حالت گذار به سوی تو هستم.»

(مدرس، ۱۳۷۸: ۲۵۰)

11) ĉon wāč-ūn wafā = m hā na to-y dət-dā
 POSTP-دل EZ-در درون SG هست. ۳ = وفا = ۱ SG = چگونه say.PST-1 SG

«چگونه این را بگویم که وفاداری‌ام به تو در درون دل من است.»

(م.ق: ۱۲)

۱. هرچند در هورامی برای فعل «بودن» در گذشته از صورت «*bē*» و برای فعل «شدن» از صورت «*bī*» استفاده می‌شود، در گورانی تکلیف مشخص نیست؛ چون هر دو صورت به یک شکل نوشته می‌شوند و هیچ تمایزی دال بر تفکیک این دو صورت یافت نشد. از این رو، برآن شدیم که به صورت «*bī/bē*» آن را به‌کار برده و مراد ما در این پژوهش فقط فعل «بودن» است نه فعل «شدن».

بین (۱۹۹۷: ۱۲۲) به نقل از کلارک^۱ (۱۹۷۸) اظهار می‌کند که ساخت وجودی در زیر چتر ساخت ظرفی جای می‌گیرد؛ چون معمولاً وجود *CS* در مکان/زمان صورت می‌پذیرد. زبان‌ها معمولاً برای بیان محمول ظرفی، از ساخت ربطی بدون فعل استفاده نمی‌کنند؛ بلکه فعل ربطی آشکار را به کار می‌برند (دیکسون، ۲۰۱۰: ۱۶۱). چنان‌که نمونه‌های بالا نشان می‌دهند در زمان حال برای بیان محمول ظرفی، فعل ویژه «*hā*» به کار برده می‌شود و از ساخت: *[CS hā-VE PRE CC]* بهره گرفته شده است.

ترتیب فعل «*hā*» و *CC* جالب توجه است؛ چون برخلاف سایر فعل‌های ربطی، همیشه پیش از *CC* واقع می‌شود و این همان پیش‌بینی هیگ (۲۰۱۵) را تأیید می‌کند که در برخی از زبان‌های ایرانی از جمله کردی شمالی و مرکزی ترتیب *OV* به *VO* در طبقه‌ای از فعل‌ها که آن‌ها را «افعال هدف»^۲ می‌نامند، تغییر یافته است. هرچند هیگ (۲۰۱۵) این موضوع را دربارهٔ افعال حرکتی که هدف مکانی دارند مطرح کرده و اشاره‌ای به ساخت‌های ربطی نکرده است، اتفاقی مشابه در ساخت‌های ربطی در متون گورانی رخ داده است. در دیوان مولوی، ۱۹ بار این فعل به کار رفته است که در همهٔ آن‌ها فعل ربطی «*hā*» پیش از *CC* آمده است؛ همچنین، در همهٔ آن‌ها حرف اضافه‌های مکان‌نما از قبیل *wa*, *ba*, *na* آمده است. هرچند این گمان می‌رود که پیکره مورد بررسی، متنی منظوم است و این امکان وجود دارد که به خاطر ضرورت وزن شعر جابه‌جایی رخ داده باشد، وقتی در کل پیکره حتی یکبار خلاف این امر نیامده است، این ظن تقویت می‌شود که این ترتیب در متون گورانی در ساخت ظرفی اجباری شده است.

این ساخت فقط در زمان حال به صورت یک فعل جداگانه ظاهر می‌شود؛ اما در زمان گذشته دوباره به صورت همان فعل «*bī/bē*» برمی‌گردد؛ مانند:

12) zarf-ē **bī-m** na to-y waxt-ī šām-awa...

کاسه -EZ **COP.PST** در درون -EZ وخت -EZ شام -POSTP

«کاسه‌ای بودم در هنگام وعدهٔ شام...»

(م.ق: ۱۱۱)

ج. ساخت وجودی ملکی: یکی دیگر از ساخت‌هایی که به واسطهٔ فعل ربطی نشان داده می‌شود، ساخت ملکی است که به واسطهٔ فعل وجودی «*han*» همراه با واژه‌بست‌های عاملی بیان می‌شود (جدول ۳). برای اشاره به این واژه‌بست‌ها به اختصار از *AC*^۳ بهره می‌گیریم.

1. E. Clark
2. goul verbs
3. ajent clitic

جدول (۳). واژه‌بست‌های مطابقتی عاملی

| سوم | دوم | اول | |
|----------------------|---------------|--------------|------|
| $\partial\check{s}=$ | $\partial t=$ | $m=$ | مفرد |
| $\check{s}\bar{a}n=$ | $t\bar{a}n=$ | $m\bar{a}n=$ | جمع |

ساخت ملکی [CS CC=AC han] مالکیت گزاره‌ای را در متون گورانی بازنمایی می‌کند.

13) sarēl ʔarz =əm han lābəkār-awa

I= رئیس قبیله رخ برگردان SG عرض هست V-PART

«[ای] رئیس قبیله! عرضی دارم، رخت را رو به من برگردان.»

(م.ق: ۶)

14) to =m han-ī hanī aw kē =m bo hānā

I= باشد پناه SG هنوز به کی I= هست S-۲ SG تو

«[وقتی] تو را دارم، هنوز هم باید به کسی دیگر پناه ببرم؟»

(همان: ۲۰)

15) gəla =m han ʔa to xaylē farāwān

I= هست از تو خیلی فراوان Sg گلا به

«خیلی از تو گلا به دارم.»

(مدرس، ۱۳۷۸: ۴۰)

16) agar mayl =ət han wēna-y dəʔbar-ān

۲= اگر مانند SG گر میل =EZ دلبر PL

«اگر مانند عاشق‌ها تمایل داری.»

(همان: ۳۵۶)

در ساخت وجودی ملکی صورت ویژه «han»، تنها در زمان حال کاربرد دارد و برای گذشته، دوباره

از صورت «bī/bē» استفاده می‌شود.

17) dəʔ aw barg-ū bo-y ʔārān =əš na-bē ʔū-y luwāy majlis yār-ān =əš na-bē

دل ۱SG NEG-COP.PST =پیشین EZ-بو و برگ آن دل ۳SG NEG-COP.PST =یار مجلس رفتن EZ-رخ

«دلبر آن برگ و بوی گذشته را نداشت و روی رفتن به مجلس یاران را نداشت.»

(همان: ۱۲۴)

دیکسون (۲۰۱۰: ۱۶۰-۱۶۸)، موارد زیادی را از زبان‌های متفاوت به عنوان نمونه ذکر می‌کند؛ مثلاً

ساخت‌های ربطی منفی نسبت به ساخت‌های ربطی مثبت، رفتاری متفاوت دارند. این پدیده هم در متون

گورانی قابل مشاهده است؛ چون وقتی به پیکره ساخت‌های منفی نگریسته می‌شود، متوجه می‌شویم که

فعل ربطی در ساخت‌های منفی در تمامی چهار مورد ذکرشده یک صورت واحد را دارد و آن هم «*nī-*» است و فعل‌های «*hā*» و «*han*» در حالت منفی به کار نمی‌روند.

18) sanam parast **nī-m** sanamnās-an-ān

صنم پرست NEG-1SG صنم‌شناس -COP.PRS-1SG

«من صنم‌پرست نیستم، [بلکه] صنم‌شناس هستم.»

(م.ق: ۸۹)

19) tawan **nī-yanān** dəŋ gošt-u hūn = an

سنگ NEG-COP.PRS.1SG دل = COP.PRS.3SG گوشت و خون

«من سنگ نیستم، دلم از گوشت و خون است.»

(مدرس، ۱۳۷۸: ۳۵۱)

20) dəŋ wa tamāmī **nī-yan** na jā-dā

کلی به دل NEG-exist.3SG در جا

«دل من به کلی در جای خودش نیست.»

(همان: ۵۲۵)

21) har kas tawallod dūbāra = š **nīy-an** aŋbat saŋādat sətāra = š **nī-yan**

هرکس تولد دوباره ندارد، شاید ستاره سعادت ستاره = NEG-exist.3SG هر کس تولد دوباره ندارد، شاید ستاره خوشبختی ندارد.

«هرکس تولد دوباره ندارد، شاید ستاره خوشبختی ندارد.»

(همان: ۲۷۳)

نمونه‌های ۱۸-۲۱ به ترتیب، برای ساخت‌های وصفی، اسمی، وجودی ظرفی و وجودی ملکی در حالت منفی به کار رفته است که برای همه آن‌ها از یک صورت استفاده شده است، هرچند در معنی متفاوت هستند.

د. بیان مالکیت با فعل داشتن: در پیکره گورانی، جدا از بیان مالکیت، از طریق ساخت وجودی، از فعل «*dāšt*» هم بهره گرفته شده است که از بسامدی قابل ملاحظه برخوردار است. در پیکره مورد بررسی، ۱۱ مورد فعل «داشتن» به کار رفته است و همه آن‌ها برای زمان حال است. نمونه‌های ۲۲ و ۲۳ این موضوع را به خوبی نشان می‌دهند.

22) yak ŋarz-ē **dār-ūn** oghər = ət xayr bo

یک عرض خیر باشد SG سفر = have-1SG

«[قافله‌چی!] سفرت خیر باشد، به عرضی خدمت دارم.»

(م.ق: ۱۵)

23) hāy lazzat **dār-o** tīr wašon tīr-dā

آخ لذت have-3Sg تیر POST-تیر به دنبال تیر

«آخ! پشت سرهم تیراندازی [محبوب] چه لذتی دارد.»

(همان: ۲)

وقتی زبانی هم فعل «have» و هم ساخت ربطی را برای بیان مالکیت داشته باشد، در این صورت، در بافت‌ها و موقعیت‌های تکمیلی به کار گرفته می‌شوند (دیکسون، ۲۰۱۰: ۱۷۴)؛ مانند زبان انگلیسی:

I have a red Honda. ' *That red Honda is mine* '،

اما در گورانی این دو به صورت توزیعی رفتار نمی‌کنند؛ بلکه دو امکان و دو مکانیسم متفاوت هستند که از هر دو برای بیان مفهوم مالکیت استفاده می‌شود و در توزیع تکمیلی همدیگر قرار ندارند؛ چون وقتی نمونه‌های ۲۲ و ۲۳ را باهم مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که برای بیان یک مفهوم (یک عرضی دارم) هم از ساخت وجودی استفاده شده: [ʃarz=əm han] و هم از فعل داشتن: [ʃarz-ē dār-ūn]. در جدول (۴)، مسائل مطرح‌شده در بخش‌های قبل درباره ساخت‌های ربطی اسمی، وصفی، ظرفی و ملکی و رفتار متفاوت آن‌ها در حالات مثبت و منفی و در زمان حال و گذشته گردآوری شده است.

جدول (۴). ساخت‌های ربطی به‌کاررفته در متون گورانی

| زمان گذشته | زمان حال | ساخت‌های ربطی | |
|---------------------|------------------|---------------|-------|
| [CS CC bē/bī] | [CS CC=an] | مثبت | اسمی |
| [CS CC na-bē/bī] | [CS CC nī=an] | منفی | |
| [CS CC bē/bī] | [CS CC=an] | مثبت | وصفی |
| [CS CC na-bē/bī] | [CS CC nī=an] | منفی | |
| [CS CC bē/bī] | [CS hā CC] | مثبت | ظرفی |
| [CS CC na-bē/bī] | [CS CC nī=an] | منفی | وجودی |
| [CS CC=AC bē/bī] | [CS CC=AC han] | مثبت | ملکی |
| [CS CC=AC na-bē/bī] | [CS CC=AC nī=an] | منفی | |

براساس سلسله‌مراتب پین (۱۹۹۷: ۱۱۳) که در بخش تحلیل نظری بیان گردید، صورت زیر در مورد زبان متون گورانی صدق می‌کند و نقطه بُرش^۱ آن را در مالکیت می‌توان مشخص کرد. در گورانی مالکیت هم به صورت ساخت ربطی و هم به صورت فعل واژگانی بیان می‌شود:

بیشتر زبان‌ها مابین CS همبستگی عمیقی وجود دارد و این همبستگی در زبان‌های دارای نظام کنائی با زبان‌های دارای نظام مفعولی متفاوت است. به عبارتی، می‌توان گفت که CS تابعی از S است. گورانی ادبی در گذشته دارای نظام کنائی است و در زمان حال دارای نظام مفعولی (مکنزی، ۲۰۰۲)، اینک این پرسش مطرح می‌شود که آیا گسسته‌بودن نظام کنائی بر چیدمان و ساخت‌های ربطی تأثیرگذار بوده است؟

متون گورانی فاقد نظام حالت‌نمایی است و حالت را نمی‌توان بر CS مشاهده کرد؛ بلکه باید مانند بیشتر زبان‌های ایرانی بازنمایی آن را در نظام مطابقت فعلی پیگیری کرد (محمودوسی، ۲۰۱۶). همان‌طور که در بالا ذکر گردید، در ساخت‌های اسمی و وصفی و ظرفی مطابقت پایانه‌های ربطی با CS دقیقاً مانند مطابقت فعل لازم واژگانی با S است؛ یعنی: $S=CS$. دو جدول زیر بیانگر این رابطه هستند:

| جدول (۶). پایانه‌های مطابقت در ساخت‌های ربطی | | | |
|--|-----------------------|-------------------------|-----------------------|
| اول | دوم | سوم | |
| مفرد | [CS CC= \emptyset] | [CS CC= $\bar{a}n$] | [CS CC= \emptyset] |
| جمع | [CS CC= $\bar{i}n$] | [CS CC= $\emptyset n$] | [CS CC= $\bar{i}n$] |

| پایانه‌های مطابقت در فعل لازم گذشته | | | |
|-------------------------------------|----------------------|----------------------|-----------------------|
| اول | دوم | سوم | |
| مفرد | [CS CC= $\bar{a}n$] | [CS CC= \bar{i}] | [CS CC= \emptyset] |
| جمع | [CS CC= $\bar{i}n$] | [CS CC= $\bar{a}n$] | [CS CC= $\bar{a}n$] |

اما در ساخت وجودی ملکی، قضیه کمی متفاوت است؛ به این شرح که در ساخت وجودی ملکی، مطابقت CS مانند فاعل فعل متعدی در گذشته به کمک واژه‌بست‌های مطابقت صورت می‌پذیرد.

| جدول (۷). واژه‌بست‌های مطابقت در ساخت وجودی ملکی | | | |
|--|-------------------------|-------------------------|---------------------------------|
| اول | دوم | سوم | |
| مفرد | [CS CC= $\emptyset m$] | [CS CC= $\emptyset t$] | [CS CC= $\emptyset \check{s}$] |
| جمع | [CS CC= $m\bar{a}n$] | [CS CC= $t\bar{a}n$] | [CS CC= $\check{s}\bar{a}n$] |

| واژه‌بست‌های مطابقت در گذشته متعدی | | | |
|------------------------------------|-------------------------|-------------------------|---------------------------------|
| اول | دوم | سوم | |
| مفرد | [CS CC= $\emptyset m$] | [CS CC= $\emptyset t$] | [CS CC= $\emptyset \check{s}$] |
| جمع | [CS CC= $m\bar{a}n$] | [CS CC= $t\bar{a}n$] | [CS CC= $\check{s}\bar{a}n$] |

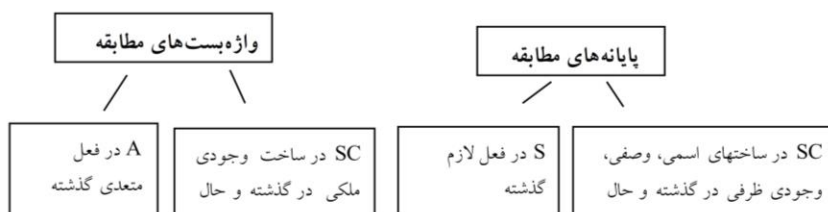
ساخت ملکی از حیث ساختار موضوعی^۳، دو موضوعی تلقی می‌شود و مانند فعل متعدی رفتار می‌کند؛ چون مالک^۴ به مثابه فاعل و مملوک^۵ به مثابه مفعول است. از این لحاظ، ساخت وجودی ملکی

۱. براساس (کرایبروک و چمن‌آرا، ۲۰۱۳)، متون قدیمی آیین یارسان و متون ادب غنائی، تابع نظام انطباق کنائی هستند و در متون حماسی مانند شاهنامه، این الگو نظام فاعلی-مفعولی تغییر یافته است. براساس (کریمی، چاپ‌نشده) نیز نظام کنائی در گورانی اختیاری شده و از اجباری بودن افتاده و ما شاهد استفاده هم‌زمان از هر دو نظام فاعلی-مفعولی و کنائی در متون گورانی (حداقل پیکره دیوان مولوی) هستیم.

2. not attested but predicted
3. argument structure
4. possessor
5. possessee

تفاوت بنیادی با سه ساخت ربطی دیگر دارد؛ زیرا آن‌ها لازم تلقی می‌شوند؛ اما ساخت ملکی متعدی است.

هرچند نظام انطباق در افعال واژگانی گسسته است، این گسستگی در ساخت‌های ربطی هیچ‌گونه بازتابی نداشته است. به این تعبیر که CS در ساخت‌های ربطی، چه در زمان حال و چه در زمان گذشته، مانند S رفتار می‌کند و تنها از پایانه‌های مطابقه بهره می‌گیرد؛ چون این سه ساخت لازم تلقی می‌شوند. اما CS در ساخت وجودی ملکی که یک ساخت متعدی تلقی می‌شود، در زمان حال و گذشته مانند A عمل می‌کند و از واژه‌بست‌های مطابقه که کنائی نما هستند بهره می‌برد.



شکل (۳). بازتابی نظام مطابقه کنائی در ساخت‌های ربطی گورانی

از این رو، می‌توان گفت که ساخت وجودی ملکی در متون گورانی، تابعی از نظام مطابقه کنائی است؛ چون واژه‌بست‌های مطابقه در آن وجود دارد، اما ساخت وجودی ملکی در زبان فارسی نو متقدم، تابعی از نظام مفعولی است؛ زیرا مفعول‌نمای «را» در آن حضور دارد. به عبارتی روشن‌تر، با وجود اینکه زبان‌های فارسی و گورانی هر دو برای بیان مالکیت گزاره‌ای، از ساخت وجودی ملکی استفاده می‌کنند، در متون گورانی واژه‌بست‌های مطابقه که نشان کنائی هستند، مالکیت را نشان می‌دهد؛ در حالی که در فارسی نو متقدم پس‌اضافه «را» که نشانه مفعولی است، مالکیت را نشان می‌دهد. همچنین، در هر دو ساخت، سازه اول واجد حالت غیرفاعلی است؛ یعنی در فارسی نو متقدم حالت غیرفاعلی از طریق حالت نما نشان داده می‌شود و در گورانی از طریق واژه‌بست‌های هم‌مرجع با فاعل.

متون گورانی:
[SC CC=AC han]

فارسی نو متقدم:
[SC rā CC hast]

بازتاب نظام مفعولی در ساخت وجودی ملکی در فارسی نو متقدم بازتاب نظام کنائی در ساخت وجودی ملکی متون گورانی

شکل (۴). ساخت وجودی ملکی در فارسی نو متقدم و متون گورانی

۵- نتیجه‌گیری

با بررسی پیکره دیوان مولوی به یافته‌های زیر دست یافتیم:

در متون گورانی چهار ساخت ربطی وجود دارد: ساخت اسمی، وصفی، وجودی ظرفی و وجودی ملکی.

الف. ساخت اسمی و وصفی: [CS CC=an]. برای بیان این ساخت از یک نوع فعل ربطی «=an» بهره گرفته شده است که به صورت پی‌بست بعد از CC واقع می‌شود و به کمک پایانه‌های مطابقه با CS مطابقه می‌کند.

ب. ساخت وجودی ظرفی: [CS hā CC]. در این ساخت، صورت مستقل فعل «hā» به کار می‌رود که در رابطه با CC از الگوی ترتیب واژه VO پیروی می‌کند. این فعل هم به کمک پایانه‌های مطابقه با CS مطابقه می‌کند.

پ. ساخت وجود ملکی: [CS CC=AC han]. در ساخت وجودی ملکی از فعل مستقل «han» بهره گرفته شده است که به کمک واژه‌بست‌های مطابقه با CS مطابقه می‌کند.

ج. ساخت‌های ربطی تنها در زمان حال و وجه مثبت متفاوت هستند و در وجه منفی و در زمان گذشته همگی دارای یک صورت واحد هستند.

د. مطابقه فعل ربطی با CS در ساخت‌های اسمی، وصفی و ظرفی از الگوی مطابقه فاعل فعل لازم در گذشته یعنی S پیروی می‌کند و در ساخت وجودی ملکی از الگوی مطابقه فاعل فعل متعدی در گذشته یعنی A پیروی می‌کند.

ذ. مالکیت گزاره‌ای در گورانی به دو صورت وجودی ملکی و فعل واژگانی به کار رفته و این ویژگی در گورانی مانند زبان فارسی نو متقدم است که هم‌زمان از دو امکان فعل واژگانی و ساخت وجودی استفاده می‌کند.

ر. باوجود اینکه زبان فارسی نو متقدم و گورانی هر دو از ساخت وجودی ملکی برای بیان مالکیت استفاده می‌کنند، در فارسی نو متقدم، نظام فاعلی-مفعولی بازتاب یافته است: [SC rā CC hast]; درحالی که در گورانی نظام کنائی بازتاب یافته است: [CS CC=AC han].

منابع

- خزنده‌دار، معروف (۲۰۱۰). تاریخ ادب کردی. اربیل: آراس.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. جلد ۱، ۲. تهران: سمت.
- سجادی، علالدین (۱۹۵۲). تاریخ ادب کردی. بغداد: چاپخانه معارف.
- سلطانی، انور (۲۰۱۰). مجموعه نسخ خطی. گردآوری شیخ عبدالموئمن مردوخی (۱۷۹۷-۱۷۳۷). سلیمانیه:

مرکز ژین.

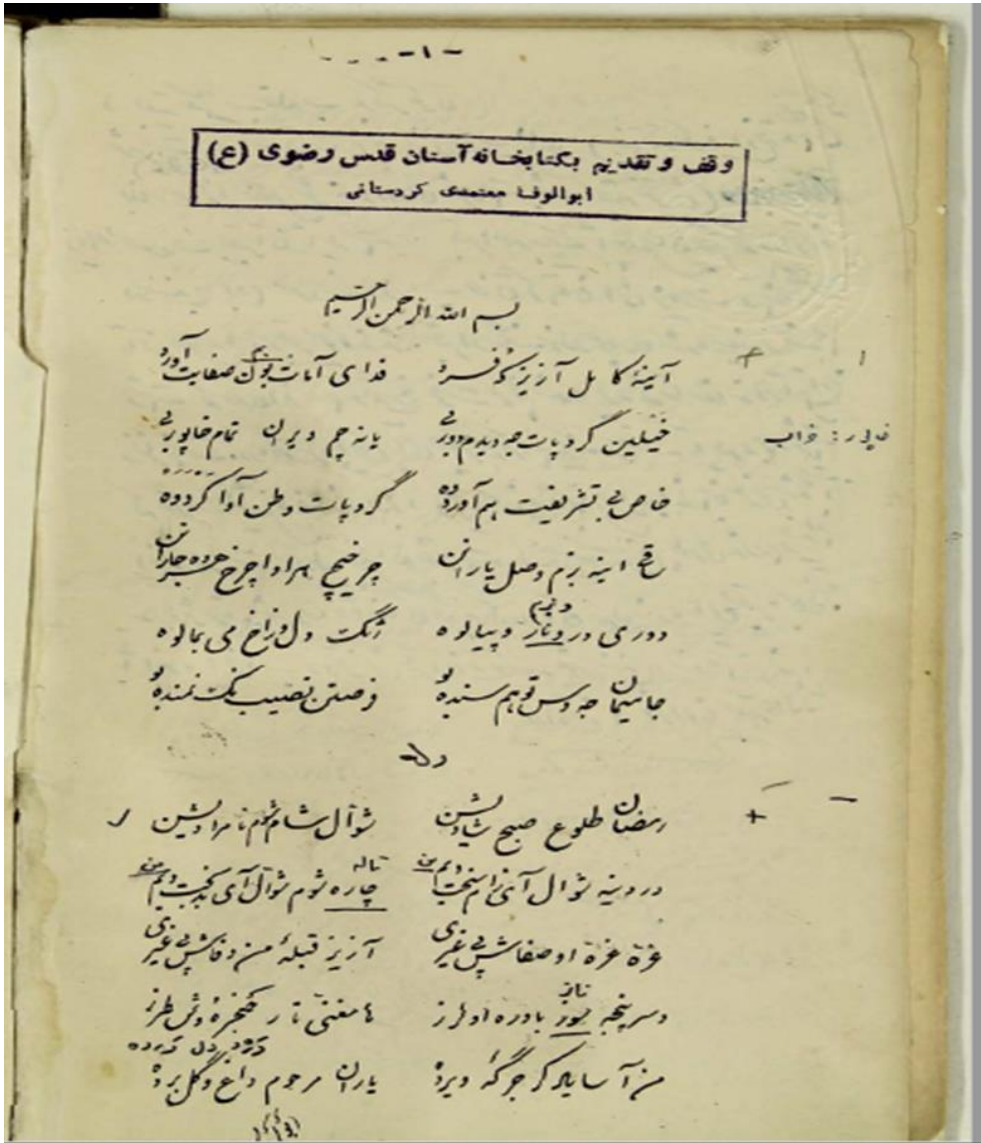
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۶۱). *نوشته‌های پراکنده درباره یارسان*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- طاهری، طیب (۲۰۰۷). *سرانجام*. اربیل: آراس.
- طاهری، طیب (۲۰۰۹). *تاریخ و فلسفه سرانجام، شرحی بر نحله‌های فکری و انتقادی در کردستان*. فرهنگ یارسان. اربیل: مکرسانی.
- غلامی، سالومه (۱۴۰۰). *طبقه‌بندی زبان زازاکی برپایه گویش‌شناسی ادراکی و زبان‌شناسی تطبیقی*. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۱۱ (۲۲)، ۱-۳۴.
- قمندار، اسماعیل (۲۰۱۴). *دراسة لهجات الكردیه الجنوبیه*. بغداد: دار مکتبه عدنان.
- مدرس، عبدالکریم (۱۳۷۸). *دیوان مولوی*. سنندج: کردستان.
- مفتی‌زاده، محمد صدیق (۲۰۱۷). *دیوان مولوی*. سلیمانیه: آرا.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵). *بیان مالکیت در فارسی نو*. دستور (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۱۲، ۱۷۱-۱۹۲.

References

- Bailey, D. (2018). *A grammar of Gawraǰū Gūrānī*. Doctoral dissertation in Philosophy, zur Erlangung des philosophischen Doktorgrades an der Philosophischen Fakultät der Georg-August-Universität Göttingen.
- Blau, J. (2010). *Written Kurdish literature. Oral literature of Iranian languages Kurdish, Pashto, Balochi, Ossetic, Persian and Tajik*. London: IB Tauris..
- Chaman Ara, B., & Amiri, C. (2018). Gurani: Practical language or Kurdish literary idiom?. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 45 (4), 627-643.
- Comrie, B. (1978). Ergativity. In W.P. Lehmann (Ed.), *Syntactic typology: Studies in the phenomenology of language* (pp. 329–394). Austin: University of Texas Press..
- Croft, W. (2003). *Typology and universals*. Cambridge University Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian languages*. Tehran: Samt.
- Dixon, R.M. (2010). *Basic linguistic theory volume 2: Grammatical topics* (Vol. 2). Oxford University Press on Demand.
- Gholami, S. (2021). Classification of the Zazaki language based on the perspectives of perceptual dialectology and comparative linguistics. *Iranian Journal of Comparative Linguistics Research*, 11 (22), 1-34 (In Persian).
- Haig, G. (2015). *Verb-Goal (VG) word order in Kurdish and Neo-Aramaic: Typological and areal considerations*. Neo-Aramaic and its linguistic context, 419-437.
- Haig, G. (2017). *Deconstructing Iranian ergativity*. In *the Oxford handbook of ergativity*.
- Hasar, R. V., & Naghshbandi, Z. (2021). A comparative study of possessive construction in Kurdish and Hungarian from a cognitive perspective. *ActaLinguistica Academica*, 68 (3), 318-349.
- Hosseini, S. (2017). The oral transmission of Yārsāni's traditional education. *Fritillaria Kurdica, Bulletin of Kurdish Studies*, 17.
- Katz, A. (1996). *Cyclical grammaticalization and the cognitive link between pronoun and*

- copula*. Doctoral dissertation in Philosophy, Rice University.
- Khaznadar, M (2010). *Kurdish literary history* (vols. 1-4). Arbil: Aras (in kurdish).
- Kreyenbroek, P. G.(2020) *God First and Last*, Vol. 1: *Religious Traditions and Music of the Yaresan of Guran*. Harrassowitz Verlag Wiesbaden
- Kreyenbroek, P.G., & Chamanara, B. (2013). Literary Gurāni: Koinè or Continuum?. In H. Bozarslan & C. Scalbert-Yucel (Eds.), *Joyce Blau, l' éternelle chez les Kurdes*(pp. 151-168).
- MacKenzie, D. (1965). Some Gorānī lyric verse. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 28 (2), 255-283.
- MacKenzie, D. (2002). *Gurāni*. Encyclopædia Iranica 401–403. New York: Center for Iranian Studies, Columbia University.
- MacKenzie, D. N. 1966. The dialect of Awroman (Hawrāmān-ī Luhōn). Grammatical sketch, texts, and vocabulary. København: Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskab.
- Mahmoudveysi, P. (2016). *The meter and the literary language of Gūrānī poetry*. Doctoral dissertation in Philosophy, Staats-und Universitätsbibliothek Hamburg Carl von Ossietzky.
- Mahmoudveysi, P., & Bailey, D. (2013). *The Gorani language of Zarde, a village of West Iran*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Mahmoudveysi, P., Bailey, D., Paul, L., & Haig G. (2012). *The Gorani language of Gawraǰū, a village of West Iran*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Mann, O. & Hadank, K. (1930). *Mundarten der Gûrân, besonders da Kânûlâi, Auramânî und Bâdschâlânî. Kurdisch-persische Forschungen*. Abt. 3, Bd. 2, Berlin.
- Minorsky, V. (1943). The Gūrān, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, 11 (1), 75-103 .
- Mudarris, A. (1999). *Mawlawi's Diwan*. Sanandaj; Kurdistan.
- Muftizadeh, M (2017). *Dīwān-ī Mawlawī*. [Mawlawi's Dīwān]. Sulaymani: Ara. (in kurdish).
- Naghzguy Kohan, M (2016). Possession in new Persian. *Dastur*, 12, 171-192.
- Paul, L. (1998). The position of Zazaki among West Iranian languages. In N. Sims-Williams (Ed.), *Old and Middle Iranian Studies* (pp. 163-176). Wiesbaden: O. Harrassowitz.
- Payne, T.E. (1997). *Describing morphosyntax: A guide for field linguists*. Cambridge University Press
- Qamandar, E (2014). *Study of Kurdish dialects*. Baghdad: Maktaba Adnan
- Safizadh, M (1982). Some Scattered writings about Yarsan. Tehran: Atayi.
- Sajjadi, A. (1952). *Kurdish literary history*. Baghdad: M'arif.
- Soltani, A. (2010). *A collection of poems in Gorani Kurdish* (2nd ed.). Sulaymani: Binkay zhin.
- Taheri, T. (2007). *Saranjam* .Arbil: Aras.
- Taheri, T. (2009). *Saranjam's history and philosophy, Yarsan Culture, An explanation of Kurdistan's philosophical traditions* . Sulaymani: Mokuryani.

پیوست (۱). تصویری از نسخه خطی دیوان مولوی به شماره (۱۱۰۹۲) نگهداری شده در کتابخانه آستان قدس رضوی



تصویر بالا، تصویری از نسخه خطی دیوان مولوی به شماره (۱۱۰۹۲) است. این نسخه که پیکره پژوهش حاضر براساس آن انجام گرفته است، در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. از آنجا که تاریخ اتمام نگارش این نسخه، پنج دلو سال (۱۳۰۰ه.ق.)، مصادف با سال فوت مولوی است، این نسخه در رده قدیمی‌ترین نسخ دیوان مولوی قرار دارد.